

المنجى الاسود

محقق دانشگاهی از تونس

نرگس بهشتی

دانش آموخته دکتری قرآن و حدیث

# زندگی و اندیشه عبدالمجید شرفی

۳-۱۴

**چکیده:** عبدالمجید شرفی از چهره های نوین نواندیشی در تونس است که شاید بتوان او را از مؤثرترین افراد در این حوزه دانست؛ زیرا آنچه او از خود به جا گذاشته تنها کتاب و مقالات و یا حتی دیدگاه های نوین نیست، بلکه او با نگرشی آکادمیک، شاگردانی پروراند که علاوه بر نشر دیدگاه هایش، ادامه دهنده راه او هستند و از این رو، دیدگاه های شرفی همانند بسیاری از نواندیشان، منحصر به نظریاتی فردی در کتاب هایش نیست، بلکه به جریانی زنده و پویا بدل شده است که هر روز با کتابی جدید و نظریه ای نوین خودنمایی می کند. متن پیش رو ترجمه مقاله ای درباره عبدالمجید شرفی از مجموعه ای با عنوان تجدید الفکر الاسلامی مقاربه نقدیه است که به سرپرستی بسام الجمل جمع آوری شده و توسط مؤسسه مؤمنون بلا حدود نشر یافته است. جلد اول این مجموعه با نام اعلام تجدید الفکر الدینی به معرفی افراد و اندیشه های نواندیشان شاخص در حوزه اندیشه دینی پرداخته و ۱۱ مقاله از نویسندگان مختلف را در خود جای داده است. نگارنده متن در ابتدای نوشته، به طور اجمالی، زندگی نامه، کتاب ها، مطالب و محتوای آثار شرفی را به رشته تحریر در آورده است. سپس، مهم ترین مظاهر نوگرایی شرفی از قبیل نوگرایی در روش و نوگرایی در مضامین را تشریح و انتقادها بر دیدگاه وی را بیان می دارد. در نهایت، نوشته را با ذکر مهم ترین کتاب ها و مقالاتی که درباره عبدالمجید شرفی نوشته شده اند، به پایان می رساند.

**کلیدواژه ها:** تجدید الفکر الاسلامی مقاربه نقدیه، اعلام تجدید الفکر الدینی، عبدالمجید شرفی، نواندیشی، تونس، نواندیشان، اندیشه دینی، زندگینامه، اندیشه.

الخلاصة: يعدّ عبد المجيد شرفي من الرموز المعاصرة للتجديد الفكري في تونس، بل ربما أمكن القول بكونه من أكثرها تأثيراً في هذا المجال؛ حيث لم يقتصر تأثيره على تأليف الكتب وكتابة المقالات أو طرح آرائه الجديدة، بل إنّه ومن خلال مسلكه الأكاديمي أسهم في تربية تلاميذه الذين لم يكتفوا بنشر آرائه وإنما عملوا على مواصلة مسيرة هذا المفكر.

ومن هنا فلا يمكن النظر إلى آراء شرفي . كما هو الحال مع غيره من المجدّدين الآخرين . باعتبارها محصورةً في آرائه الفرديّة الموجودة في كتبه، بل صارت اليوم تياراً فعلياً وحيويّاً يطرح نفسه كل يوم من خلال كتاب جديد أو نظريّة حديثة .

والمقال الحالي هو ترجمة لأحد المقالات حول عبد المجيد شرفي والمنشور ضمن مجموعة مقالات بعنوان تجديد الفكر الإسلامي . مقاربه نقدية قام بجمعها بسام الجمل ونشرتها مؤسسة مؤمنون بلا حدود . وكان المجلد الأول من هذه المجموعة باسم اعلام تجديد الفكر الديني ، وقد خصّص للتعريف بأفكار عددٍ من الشخصيات البارزة من المجدّدين في مجال الفكر الديني، وضمّ إحدى عشر مقالةً لعددٍ من الكتاب .

يستهل الكاتب مقاله بسيرة مختصرة لعبد المجيد شرفي ومعلومات عن كتبه ومحتوياتها وما ضمته من المطالب . ثمّ ينتقل لبيان أهم مظاهر التجديد لدى شرفي من قبيل تجديده في الأسلوب وفي المضمون ، مشيراً في ثنايا ذلك إلى أهم النقود الموجهة على آرائه في هذا المجال .

وينهي الكاتب مقاله باستعراض أهم الكتب والمقالات التي كتبت حول عبد المجيد شرفي .

المفردات الأساسية: تجديد الفكر الإسلامي . مقاربه نقدية، اعلام تجديد الفكر الديني، عبد المجيد شرفي، التجديد، تونس، المجددون، الفكر الديني، السيرة، الفكر.

## — Abdulmajid Sharafi's Life and Thought

By: Al-Monji Al-Aswad

Translated by: Narges Beheshti

**Abstract:** Abdulmajid Sharafi is a newly emerging figure in intellectualism in Tunisia, and perhaps one of the most influential people in this field because what he left behind is not just books and articles or even new perspectives, but some well-educated students who followed his path and propagated his ideas. Hence, Sharafi's views, like many other intellectuals, are not exclusive to some individual theories in his books, but have become a vibrant and dynamic flow that everyday has a new book or theory to show off. The following paper is the translation of a paper on Abdulmajid Sharafi published in *New Islamic Thought: A Critical Approach* which was compiled under the supervision of Bassām al-Jamal and printed by the institute of Mu'minon bilā Hodood. The first volume of the collection, titled *New Religious Thought* introduces the most prominent intellectuals and their ideas with regard to religious thought, and contains 11 articles from various authors. At the beginning of this paper, the author briefly talks about Sharafi's biography, books, and their contents. Then, he outlines the most important manifestations of Sharafi's modernism, such as modernism in method and modernism in the themes. Following this, he mentions the criticisms which were levelled at his views. Finally, he is going to name some of the most important books and articles which were written about Sharafi.

**Key words:** *New Islamic Thought: A Critical Approach*, *New Religious Thought*, Abdulmajid Sharafi, intellectualism, Tunisia, religious thought, biography, thought.

# زندگی و اندیشه عبدالمجید شرفی

المنجی الاسود

نرگس بهشتی

متن پیش رو ترجمه مقاله‌ای درباره عبدالمجید شرفی از مجموعه‌ای با عنوان «تجدید الفكر الاسلامی مقاربه نقدیه» است که جلد اول آن با نام «اعلام تجدید الفكر الدینی» به معرفی افراد و اندیشه‌های نواندیشان شاخص در حوزه اندیشه دینی پرداخته است. این مجموعه که با سرپرستی بسام الجمل جمع‌آوری شده، در جلد اول ۱۱ مقاله از نویسندگان مختلف را در خود جای داده است که توسط مؤسسه «مؤمنون بلاحدود» نشر یافته که در سال‌های اخیر به یکی از ناشران مهم در زمینه نشر موضوعات نوین با رعایت استانداردها و نگاه علمی تبدیل شده است.

عبدالمجید شرفی از چهره‌های نوین نواندیشی در تونس است که شاید بتوان او را از مؤثرترین افراد در این حوزه دانست؛ زیرا آنچه او از خود به جا گذاشته تنها کتاب، مقالات یا حتی دیدگاه‌های نوین نیست، بلکه او با نگرشی آکادمیک، شاگردانی پروراند که علاوه بر نشر دیدگاه‌هایش، ادامه‌دهنده راه او هستند و از این رو دیدگاه‌های شرفی همانند بسیاری از نواندیشان منحصر به نظریاتی فردی در کتاب‌هایش نیست، بلکه به جریانی زنده و پویا بدل شده است که هر روز با کتابی جدید و نظریه‌ای نوین خودنمایی می‌کند که برخی از آنها همچون حمادی ذوب و کتاب‌هایش بیش از خود شرفی و تألیفاتش در جامعه علمی ایران شناخته شده‌اند.

ترجمه این اثر به معنای پذیرش همه دیدگاه‌ها نیست و امید است نشر این مقاله به شناخت شرفی به عنوان بنیان‌گذار جریان نواندیشی تونسی کمک کند و زمینه‌ساز آشنایی با دیدگاه‌های او و بررسی و نقد علمی آنها باشد.

## ۱. زندگینامه عبدالمجید شرفی

عبدالمجید شرفی متفکر تونسی در سال ۱۹۴۲ در شهر صفاقس<sup>۱</sup> به دنیا آمد. او کارشناسی زبان و ادبیات عرب را در سال ۱۹۶۳ در تونس خواند و برای کارشناسی ارشد به پاریس رفت. در سال ۱۹۶۹ کارشناسی ارشد را با رتبه اول به پایان رساند و در سال ۱۹۸۲ دکترایش را از دانشگاه دولتی تونس گرفت.

شرفی در سال‌های ۱۹۶۳-۱۹۶۸ در دبیرستان درس داد و سپس در مدرسه عالی معلمان تونس دستیار شد و سرانجام در سال‌های ۱۹۸۲-۱۹۸۶ به عنوان استاد در این مرکز تدریس کرد. پس از آن عبدالمجید به دانشگاه منوبه<sup>۲</sup> رفت و تا سال ۲۰۰۲ تدریس کرد و با سمت استاد فرهنگ عربی و فکر اسلامی بازنشسته شد.

او در این سال‌ها علاوه بر تدریس مسئولیت‌های دیگری نیز داشت که از جمله آنها: ریاست بخش عربی مدرسه عالی معلمان در سال ۱۹۷۷، مدیریت دانشکده ادبیات و علوم انسانی (۱۹۸۳-۱۹۸۶)، ریاست کارگروه اصلاح برنامه‌های عربی در وزارت تربیت (۱۹۸۷-۱۹۸۸)، ریاست کمیته انتخاب دستیاران علمی (۱۹۹۰-۱۹۹۱)، ریاست گروه مناظره چهره‌های برتر لغت و ادبیات عرب (۱۹۹۵-۱۹۹۹)، ریاست گروه بازرسان تربیت و اندیشه اسلامی در دبیرستان‌ها (۱۹۹۴-۱۹۹۸)، ریاست کمیته گزینش اساتید سخنران (۲۰۰۰-۲۰۰۱) بود.

۱. sfax: شهری در کنار خلیج قابس و مرکز استان صفاقس که دومین شهر تونس از جهت مساحت و جمعیت است.

۲. manouba university دانشگاه جامع و قطب علمی غرب تونس که در شهر منوبه قرار دارد.

علاوه بر این موارد، او دارای تألیفاتی به زبان های غیرعربی است همانند:

(Ces Ecritures qui nous questionnent, La Bible et le Coran<sup>10</sup>، (La pensee islamique, rupture et fidelite -) (Foi et justice)<sup>11</sup>،<sup>12</sup>، (Foi et justice)

برخی از کتاب های شرفی به زبان های دیگر ترجمه شده است. کتاب «الاسلام بین الرساله و التاريخ» به فرانسه<sup>۱۳</sup> و کتاب «تحدیث الفکر الاسلامی» به فارسی<sup>۱۴</sup> و مقاله «المسیحیه فی تفسیر الطبری» به زبان های انگلیسی و فرانسوی ترجمه شده اند.<sup>۱۵</sup>

### ۳. مطالب کتاب های عبدالمجید شرفی

با وجود تعدد تألیفات، شرفی در همه کتاب هایش تقریباً یک موضوع را دنبال می کند و با آنکه گاه سال ها بین نوشتن آنها فاصله وجود دارد، وحدت موضوعی این کتب در بررسی تحلیلی و نقدی رابطه دین و عصر جدید آشکار است. این تألیفات به قدری به هم مرتبط اند که گویی هر یک، فصلی از کتاب بزرگ شرفی هستند که به رابطه دین و جهان مدرن می پردازد و از جنبه های مختلف آن را بررسی می کند.

شرفی فصل های متعددی از کتاب بزرگش را به بررسی مهم ترین مؤلفه های تفکر اسلام سنتی و کشف آنها اختصاص داد.

او به تفسیر قرآن<sup>۱۶</sup> و ارتباط آن با عصر جدید پرداخت و نگرشی را که با آغاز قرن بیستم و ظهور تفاسیر علمی قرآن شروع شده بود، نقد کرد. شرفی حدیث نبوی<sup>۱۷</sup> را نیازمند بررسی عمیق به دور از افراط و تفریط دانست. حدیث از نظر شرفی «اندوخته ای است که تپش نبض آن در زندگی الهام بخش ارزش های شریف جاودانه

دمشق، ۲۰۰۸ م.

10. Charfi, Abdelmajid, La pensee islamique, rupture et fidelite, Albin Michel, coll "L islam des Lumieres", 2008.

11. - Charfi, Abdelmajid, Ces Ecritures qui nous questionnent, La Bible et le Coran, Paris, Centurion, 1987.

12. Charfi, Abdelmajid, Foi et justice, Paris, Centurion, 1993.

۱۳. عنوان ترجمه:

14. - L'islam entre le message et l'histoire, Paris, Albin Michel-tunis, Sud Ed, 2004.

۱۴. عنوان ترجمه: عصری سازی اندیشه دینی؛ تهران، نشر ناقد، ۱۳۸۲، (۲۰۰۳ م)

۱۵. المسيحية فی تفسیر الطبری، المجله التونسيه للعلوم الاجتماعیه، عدد ۵۸-۵۹، ۱۹۷۹ م، ص ۵۳-۹۶. ترجمه به انگلیسی در مجله Islamiochristiana، عدد ۶، ۱۹۸، ص ۱۰۵-۱۴۸ و ترجمه به فرانسه در مجله MIDEO، عدد ۱۶، ۱۹۸۳ م، ص ۱۱۷-۱۶۸.

۱۶. الاسلام و الحدایة، ص ۶۳-۹۱؛ همچنین رک به: حاشیه ۴۰ از ص ۸۹ که شرفی دربارہ مقایسه فهم متقدمین و متأخرین در کیفیت وحی سخن گفته است؛ همچنین رک به: الاسلام بین الرساله و التاريخ، ص ۱۷۰-۱۷۵ و مقاله دربارہ آیات ۱۸۳-۱۸۷ سوره بقره در مجموعه «بحوث مهداة الی محمد الطالبی فی عید میلاده السبعین»، کلیه الاداب، منوبه (۱۹۹۳ م)، ص ۶۷-۸۶ و بازنشر آن در لبنان، ص ۱۶۵-۱۸۲.

۱۷. الاسلام و الحدایة، ص ۹۳-۱۱۱؛ الاسلام بین الرساله و التاريخ، ص ۱۷۶-۱۸۲.

او همچنین در تعدادی از کارگروه های علمی، ملی و دولتی شرکت داشت که از مهم ترین آنها می توان این موارد را برشمرد: عضویت در هیئت تحریریه یا گروه مشاوران در مجلات اییلا (تونس)، اسلامیات-مسیحیات (روما)، المجله العربیه لحقوق الانسان (تونس)، آداب (قیروان)، مقدّمات (مغرب) و دراسات مغربیه (مغرب)، عضو مجلس موسسه عربی گفتمان اندیشه (جنیف ۲۰۰۳-۲۰۰۶)، عضو کارگروه بنیاد بررسی مغرب معاصر (۱۹۹۳-۲۰۰۲ م)، عضو گروه ملی ارزیابی (۱۹۹۳-۱۹۹۶ م) و عضو شورای اقتصاد و اجتماع (۱۹۹۳-۱۹۹۷ م).

شرفی از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۳ م صاحب کرسی ادیان تطبیقی در یونسکو بود. او همچنین مدیر نشریه «معالم الحدایة» است که انتشارات دار الجنوب آن را منتشر می کند. این موسسه برخی از تألیفات شرفی را نیز منتشر کرده است.

### ۲. کتاب های عبدالمجید شرفی

عبدالمجید شرفی در میان چهره های سرشناس نواندیشی دینی، فردی پیشرو در نهضت دوم عربی است و برخی او را صاحب مکتب پیشرو تونس در مطالعات اندیشه دینی می شناسند. این عنوان بیره نیست؛ زیرا شرفی از زمان ورودش در مباحث علمی و تخصصی، همواره به بررسی تفکر دینی پرداخته و در این باره بیش از ۴۰ کتاب و مقاله و تحقیق از او به جا مانده است. همچنین بر کتاب هایی که دیگران در این موضوع نگاشته اند، مقدمه نوشته و پایان نامه ها و تحقیقات بسیاری را در سطوح مختلف علمی راهنمایی کرده است.

یکی از برجسته ترین تألیفات شرفی که پایان نامه دکتری او بوده است «الفکر الاسلامی فی الرد علی النصارى الی نهاية القرن الرابع العاشر»<sup>۱۸</sup> نام دارد. از دیگر کتاب های او می توان «الاسلام و الحدایة»<sup>۱۹</sup>، «لبنات»<sup>۲۰</sup>، «الاسلام بین الرساله و التاريخ»<sup>۲۱</sup>، «الثورة و الحدایة و الاسلام»<sup>۲۲</sup> و کتاب «مرجعیات الاسلام السیاسی»<sup>۲۳</sup> اسم برد. همچنین «مستقبل الاسلام بین الغرب و الشرق» یکی دیگر از کتاب های اوست که به همراه نویسنده آلمانی مراد هوفمان<sup>۲۴</sup> نوشته شد.

۳. الفكر الاسلامی فی الرد علی النصارى الی القرن الرابع العاشر؛ ط ۱، الدار التونسية للنشر. المؤسسة الوطنیه للكتاب، تونس، الجزائر، ۱۹۸۶ م.

۴. الاسلام و الحدایة؛ ط ۱، الدار التونسية للنشر، تونس ۱۹۹۰ م.

۵. لبنات؛ ط ۱، دار الجنوب للنشر، تونس، ۱۹۹۴ م.

۶. الاسلام بین الرساله و التاريخ؛ ط ۱، دار الطلیعه للطباعة و النشر، بیروت، ۲۰۰۱ م.

۷. الثورة و الحدایة و الاسلام؛ ط ۱، دار الجنوب للنشر، تونس، ۲۰۱۱ م.

۸. مرجعیات الاسلام السیاسی؛ ط ۱، دار التنویر للطباعة و النشر و التوزیع، تونس، بیروت. القاهرة، ۲۰۱۴ م.

۹. عبدالمجید الشرفی و مراد هوفمان؛ مستقبل الاسلام فی الغرب و الشرق؛ ط ۱، دار الفکر،

است»<sup>۱۸</sup> که برای زنده نگه داشتن آن لازم است تا احادیث نبوی از ناخالصی‌هایی که همراه دارد پاک شود؛ اضافاتی که فقه<sup>۱۹</sup> و اصول<sup>۲۰</sup> از آنها نشأت گرفت. وجود اختلاف در احکام فقهی و حتی تقابل آنها با یکدیگر که در کتاب‌های فقهی اسلامی قرون اولیه برجای مانده، به حدی است که نمی‌توان آنها را نادیده گرفت و همین اختلاف تأکید می‌کند که احکام فقهی و اصول فهم آن، بشری و غیرالهی است.

مدت کوتاهی پس از به وجود آمدن فقه، به دلیل شرایط و مقتضیات زمانی، علم کلام<sup>۲۱</sup> و تصوف<sup>۲۲</sup> ایجاد شدند. شرفی درباره این دو علم و تاریخ به وجود آمدن آنها، بررسی دقیقی انجام داد تا عواملی را که موجب پدید آمدن این علوم شدند شناسایی کند و از این طریق دریابد چه بخش‌هایی از این علوم مناسب دوره مدرن است و چه مسائلی با این زمان تناسب ندارد.

عبدالمجید شرفی به مسئله زن<sup>۲۳</sup> و جایگاه او در جامعه پرداخت. او از دو نگرش رایج درباره شأن زن سخن گفت: دیدگاه سنتی نسبت به زن که او را دارای نقصان می‌دانست و دیدگاه دیگری که نگرشی نواندیشانه نسبت به زن داشت و مدعی شد اسلام سیاسی که برای ارزش‌های جوهری اسلام اهمیتی قائل نیست، بر نگاه سنتی نسبت به زن وفادار مانده و از نواندیشی در این مسئله روی گردانده است.<sup>۲۴</sup>

رابطه اسلام با تحجر،<sup>۲۵</sup> همچنین ارتباط اسلام با سکولاریزم<sup>۲۶</sup> از مسائلی است که در جهان واقعی ناگزیر با آنها روبرو هستیم. شرفی معتقد است که از ابتدای استعمار تا کنون به ویژه عصر کنونی، تحجر و نحوه برخورد با آن یکی از مهم‌ترین مسائل بوده است و از دید او اسلام دینی است که وجود عناصر بشری در آن، زمینه و بستر رشد سکولاریزم را فراهم کرده است؛ زیرا اسلام یک روش است، نه یک ایدئولوژی و این دین تکیه‌گاهی برای اندیشه بشری است، نه مبنای تحجر فکری.

در همین رابطه عبدالمجید شرفی با نوشتن فصولی با عنوان

«مشکلة الحكم»<sup>۲۷</sup> و «الاسلاميون اعداء التحدیث ام ضحایا»<sup>۲۸</sup> مسئله حکومت در اسلام را رد کرد. البته مهم‌ترین تألیف در این رابطه کتاب «مرجعیات الاسلامی السیاسی» است که در آن اصول اسلام سیاسی، پیش‌فرض‌های این نظریه، مبنای فکری آن و موانع پیش‌رو برای تداوم آن را بیان کرده است.

#### ۴. مهم‌ترین مظاهر نوگرایی شرفی

##### ۴-۱. نوگرایی در روش

##### الف) روش تاریخی

برای اطلاع از اهمیت نگرش تاریخی نزد شرفی، کافی است تا نگاهی اجمالی به مهم‌ترین کتاب‌های او بیندازیم. یکی از این تألیفات اسلام بین الرساله و التاريخ است که موضوع محوری کتاب، ترسیم دو مرحله متفاوت از اسلام است؛ اسلامی که پیامبر ابلاغ کرد و اسلامی که در طول تاریخ شکل گرفت و اضافات و تغییرات و آمیختگی‌هایی که در آن روی داد. شرفی معتقد است دستیابی به تفاوت‌های این دو مرحله جز با روش تاریخی ممکن نیست؛ روشی که به محصول دینی، نه بر اساس منبع آن، بلکه به عنوان آنچه در بستر تاریخی شکل گرفته است می‌نگرد. شرفی در فصل دوم کتاب، ذیل عنوان «الرساله فی التاريخ» تلاش می‌کند این تفکر را به شکل عملی و با تحلیلی گسترده بیان کند.

شاید یکی از مهم‌ترین قدم‌های شرفی درباره نگرش تاریخی به اسلام، سرپرستی نگارش مجموعه «الاسلام واحدا و متعددا» باشد که در آن تقریباً ۱۸ عنوان بررسی شده است. مجموعه‌ای که بیانگر فهم مسلمانان از اسلام واحد در زمان و مکان و گروه‌های مختلف است. این مباحث از سوی معتقدین به نگرش سنتی به دین به شدت مورد اعتراض قرار گرفت؛ زیرا آنان فهم گوناگون از اسلام و دگرگونی آن در طول تاریخ و تغییر جوامع اسلامی در گذر زمان را قبول نداشتند.<sup>۲۹</sup>

شرفی با پذیرش روش تاریخی در ایجاد معرفت دینی، به دیگر سخن آنچه را پیش از آن حقایق متعال دینی شمرده می‌شدند به تاریخ نسبت داد. بنابراین معرفت دینی به محصولی بشری تبدیل شد که قداست ندارد. از دید او با ایجاد تمایز بین آنچه مقدس است با آنچه بشری است، نقد اندیشه بشری که در طول تاریخ

۱۸. الاسلام بین الرساله و التاريخ، ص ۱۸۲.

۱۹. همان، ص ۱۴۰-۱۵۵.

۲۰. همان، ص ۱۵۵-۱۶۹.

۲۱. الاسلام و الحدیث، ص ۱۸۲-۱۸۸.

۲۲. همان، ص ۱۸۸-۱۹۴.

۲۳. همان، ص ۲۲۵-۲۶۰.

۲۴. مرجعیات الاسلام السیاسی، ص ۵۴.

۲۵. لبنان، ص ۱۸۳-۲۰۱.

۲۶. همان، ص ۵۳-۶۳.

۲۷. الاسلام و الحدیث، ص ۱۸۷.

۲۸. لبنان، ص ۸۵.

۲۹. برای نمونه بنگرید: ندی خیاط، موقف عبدالمجید الشرفی من الدین و التراث، الملحق الخاص بالحوار مع تلامذة الشرفیف از ص ۵۶۶. نویسنده به نامگذاری اسلام سیاه که با آن تنها اسلام کسانی که سیاه‌پوست بودند را قصد کرده معترض است.

شکل گرفته، به دلیل تغییر نیازها در زمان‌های مختلف، نه تنها بی‌اشکال، بلکه ضروری است. به این ترتیب برخلاف ادعای برخی منتقدان شرفی،<sup>۳۰</sup> او به دنبال درهم شکستن اسلام یا تخریب آن نیست؛ زیرا معتقد است هر قدمی که در بازسازی اندیشه دینی برداشته شود، برگرفته از جوهر والای اسلام است؛ جوهری که با ارزش‌های زمانه منافاتی ندارد.

### ب) روش تطبیقی

شرفی مطلبی را با عنوان «المنهج المقارن فی قراءة التراث الدینی» در کتاب «لبنات» نوشت و در تبیین آن بر دو مسئله تأکید کرد.

ابتدا آنکه تلاش کرد تا به کمک روش تطبیقی آشکار کند چه چیزی با اسلام اصیل تناسب دارد و چه چیزی با آن هماهنگ نیست.<sup>۳۱</sup> در این چارچوب گروهی به سرپرستی شرفی با عنوان «الاسلام واحداً او متعددا» تحقیقاتی انجام دادند و با به کارگیری روش تطبیقی عناوینی را همچون اسلام فقها، اسلام نواندیشان، اسلام صوفیان، اسلام فلاسفه و... نگاشتند.

دیگر اینکه شرفی از اندیشه‌وران مسلمان خواست تا نتایج به دست آمده از به کارگیری روش تطبیقی را معتبر بدانند؛ زیرا این نتایج مهم می‌تواند به ما در فهم دینی کمک کند، به ویژه آنکه با این روش ویژگی‌های مشترکی بین نصوص دینی سه دین توحیدی خودنمایی می‌کند.

### ۲-۴. نوگرایی در مضامین

#### الف) قرآن و حدیث

شرفی معتقد است که نمی‌توان نص قرآن را در آیات الاحکام که تنها بیانگراه حل مشکلات در عصر نزول آن بودند محدود کرد. بنابراین برای آنکه در حصار زمان و مکان گرفتار نشویم، همان‌گونه که فقها در استنباط فقهی به آن معتقدند، تنها راهکار تأویل نص است. به این ترتیب سیاق تاریخی متن کنار گذاشته می‌شود و عملاً نشان می‌دهیم که قرآن به واسطه دستورات و فرامین مترقی‌اش برای هر زمان و هر مکانی قابل اجراست، نه به دلیل الفاظش.<sup>۳۲</sup>

او لازمه دست‌یابی به تأویل متناسب با عصر کنونی را تعامل مستقیم و بدون واسطه با متن قرآن دانست. شرفی واسطه‌ها را همان متن‌های متأخر از قرآن دانست که مسلمانان قرآن را از طریق آنها و نه خود متن قرآن می‌فهمند؛ متون ثانویه‌ای که همچون حجایی متن قرآنی را بر انسان معاصر پوشانده‌اند و درک قرآن به واسطه آنها با دو نوع قصور همراه است: کم‌توجهی به خود متن قرآن و بی‌توجهی به فهم قرآن متناسب با زمانه.

شرفی به دلیل اهمیت زیادی که حدیث نبوی در معرفت دینی دارد، توجه شایسته به آن را ضروری می‌داند. از دید او یکی از مظاهر توجه به حدیث، به کارگیری روش‌های نوین در تعامل با آن است؛ زیرا وقتی از روش‌های نوینی همچون روش تاریخی را در نگاه به حدیث بهره ببریم، می‌توانیم از فهم تاریخی حدیث و علوم مرتبط با آن سخن بگوییم و این همان فهم نواندیشانه دین است<sup>۳۳</sup> که بزرگانی چون محمد عبده،

۳۰. از کسانی که شرفی را به این مسئله متهم کرد نویسنده لبنانی رضوان السید است در مقالات پی‌درپی با عناوین: الحملة علی اسلام الحملة علی العرب، الشرق الأوسط، ۱۸ نیسان / آوریل.

۳۱. لبنات، ص ۱۱۱.

۳۲. الثورة والحدیث والاسلام، ص ۱۷۹.

۳۳. الاسلام والحدیث، ص ۹۴.

احمد امین، رشید رضا و محمود ابوریه درباره آن مطالبی نوشته‌اند<sup>۳۴</sup> و شرفی نیز براساس نتایج علمی که متفکران پیش از خود بیان کرده بودند، در کتاب «الاسلام بین الرساله والتاریخ» از زمانمندی حدیث نبوی یا تناسب تاریخی حدیث نبوی با شرایط تاریخی سخن گفت.<sup>۳۵</sup>

### ب) ختم نبوت

عبدالمجید شرفی برای تعریف ختم دو احتمال مطرح می‌کند. اول آنکه همانند تصور رایج، ختم به معنای پایان باشد، به این ترتیب محمد آخرین حلقه و کامل‌کننده سلسله پیامبرانی است که پیش از او آمده‌اند. «در این صورت کلمه ختم جز بر ترتیب زمانی دلالت ندارد و محمد آخرین پیامبر فرستاده شده و حلقه پایانی از سلسله طولانی نبوت است که از آدم آغاز و به محمد منتهی شده است».<sup>۳۶</sup>

اما شرفی احتمال دیگری را براساس سخنی از محمد اقبال، برای مفهوم ختم بیان می‌کند و می‌گوید: «نبوت در اسلام رساندن انسان‌ها به حدی از کمال است که خودشان درک کنند دیگر نیازی به پیامبر ندارند».<sup>۳۷</sup>

یعنی انسان به حدی از رشد دست یابد که نیازمند رهبری بیرونی و خارج از ذات خود که او را به هر چیز کوچک و بزرگی راهنمایی کند نداشته باشد. با رسیدن انسان‌ها به این مرحله وظایفی که پیش از این انبیا، بر عهده گرفته بودند پایان یافت؛ زیرا پیامبر خاتم انسان را با حقیقتی روبه‌رو کرد که پیش از او توسط هیچ پیامبری مطرح نشده بود. از نظر شرفی پیامبر خاتم انسان‌ها را به جایگاه موجودی مسئول و آزاد رهنمون کرد که باید تبعات انتخاب‌هایش را بپذیرد. «به این ترتیب انسان‌ها آزادانه اجازه یافتند تا در خانه‌هایی که با تلاش خود بنا کرده بودند ساکن شوند»<sup>۳۸</sup> و با ختم نبوت است که می‌توان گفت: «پیامبر حق، شاهد، مبشر و نذیر است».<sup>۳۹</sup>

تمایز در اینجا نهفته است که شرفی ختم نبوت را عملی برای رهایی انسان از یوغ پیروی و تقلید و تواناساختن او برای به دست گرفتن همه امور زندگی خویش می‌داند و از این روانسان موجودی نوآور، خلاق و مسئول خواهد بود که با نگرش سنتی به انسان که او را ملزم می‌کند تا افعال رسول الله را مقدم بشمارد و تبعیت از پیامبر را واجب می‌داند در تناقض است.<sup>۴۰</sup>

برای فهم دقیق و همه‌جانبه دیدگاه شرفی، نویسنده مغربی رشید بن زین فصل هفتم کتاب «مفکر و الاسلام الجدد» را به عنوان «عبدالمجید شرفی فهمی جدیدی از ختم نبوت»<sup>۴۱</sup> اختصاص داد. تبیین کامل این مسئله بسیار مهم است؛ زیرا با ارائه تفسیری نوین از مفهوم ختم، دریچه‌ای جدید بر تفسیر دینی نوآندیشانه گشوده خواهد شد و تفکر سنتی که خود را وصی ایمان مردم می‌داند، در بن بست قرار خواهد گرفت.<sup>۴۲</sup>

۳۴. همان، ص ۹۲-۱۰۴.

۳۵. الاسلام بین الرساله والتاریخ، ص ۱۷۶-۱۸۲.

۳۶. همان، ص ۸۸.

۳۷. همان، ص ۸۷.

۳۸. کنایه از به دست گرفتن زندگی و بنا کردن آن براساس خواست خود است. زندگیشان را براساس خواست و اراده‌شان بسازند.

۳۹. همان، ص ۹۱.

۴۰. همان، ص ۹۲.

41. R. Benzine, les nouveaux penseurs de l'islam, Paris, Albin Michel, 2004, pp.213-243.

۴۲. شهید مطهری در بحثی مبسوط درباره ختم نبوت، هر چند همانند شرفی معتقدند که بلوغ اجتماعی بشر از ارکان ختم نبوت و لازمه آن است، ولی برخلاف او دلیل این بلوغ را توان مردم برای حفظ و نگهداری میراث علمی و دینی پیامبر خاتم و نشر و تبلیغ و تعلیم آموزه‌های ایشان می‌داند. (ختم نبوت، ص ۱۷) مطهری معتقد است راه انسان و مسیر تکامل او از سوی خداوند مشخص شده و تنها در این صورت است که ختم نبوت معنا پیدا می‌کند؛ زیرا پیامبر خاتم قانونی ارائه داده است که براساس آن می‌توان راه تکامل مشخص شده را طی کرد. (همان، ص ۲۲-۲۶)

### ج) اسلام و سکولاریزم

مفهوم جدید ختم نبوت به مفهومی دیگرگره خورده که مناقشات جدی را میان متفکران دینی برانگیخته است و آن سکولاریزم است؛ زیرا تفکر دینی سنتی همواره به سکولاریزم به عنوان دشمن سرسخت اسلام نگریسته است،<sup>۴۳</sup> اما عبدالمجید شرفی همان‌گونه که در کتاب هایش بیان کرده است اسلام را با سکولاریزم در تعارض نمی‌داند؛ زیرا از دید شرفی اسلام دارای ویژگی‌های ممتازی است که «بعضی از شکل‌های سکولاریزم را مجاز و بلکه پشتیبانی و تأیید می‌کند».<sup>۴۴</sup> این دیدگاه بر اساس تعریفی از اسلام است که شرفی از ابتدا پذیرفته بود:

اسلام به صراحت اعلام می‌کند بخش‌هایی که مرتبط با جامعه و فرهنگ هستند از محدوده حاکمیت نهادها و مظاهر دینی خارج هستند.<sup>۴۵</sup>

از منظر شرفی اسلام همانند دو دین یهود و مسیحیت دینی توحیدی است و در همه آنها تصویری مشترک از خدایی است که صفات وجودی ممتاز او، بین خدا بقیه موجودات و جهان تمایز ایجاد می‌کند. از جهت نظری ایمان به خدایی که دارای این صفات است، به معنای قطع کامل «از بیشتر راه‌های رسیدن به خداست؛ اسلام دینی است که از قوی‌ترین آثار تقدس همانند اسرار و معجزات و سحرها شده و برای اولین بار در تاریخ به انسان خوداتکایی داده است و او را مسئول می‌داند».<sup>۴۶</sup> شرفی این ویژگی اسلام را از مهم‌ترین عواملی می‌داند که ظهور سکولاریزم را پشتیبانی می‌کند.

با وجود آنکه این مسئله در واقعیت کاملاً محقق نشد، ولی از نظر شرفی با توجه به عقلانیتی که در اوامر و نواهی شریعت وجود دارد، شریعت در برابر سکولاریزم تغییرپذیر است. این شریعتی است که موافقت و همراهی با آن یا نپذیرفتن آن، سلباً یا ایجاباً با نظام عالم مرتبط نیست<sup>۴۷</sup> و عالم چه صالح باشد و چه دچار فساد شود، با صلاح مؤمن یا ارتکاب گناهان او ارتباطی ندارد.

### د) فقه و اصول فقه

فقه و اصول یکی از مهم‌ترین محورهای معرفت دینی است که

۴۳. برای نمونه بنگرید: یوسف قرضاوی، الاسلام والعلمانية وجهالوجه، مکتبه وهبه، ط ۷، ۱۹۹۷م؛ سفر الحوالی، العلمانية، نشأتها وتطورها وآثارها فی الحیاة الاسلامیة المعاصرة، رسالة ماجستير دانشگاه ام القرى.

۴۴. لبنات، ص ۶۱.

۴۵. همان.

۴۶. همان.

۴۷. همان.

عبدالمجید شرفی به بحث و بررسی درباره آن می‌پردازد. پژوهش شرفی در این موضوع را از سه زاویه می‌توان نگریست. اول از نظر قدمت؛ زیرا این موضوع یکی از اولین مسائلی است که شرفی به آن پرداخت و پژوهش درباره آن را ادامه داد. دیگر از منظر کمیّت؛ زیرا پژوهش درباره فقه و اصول بخش زیادی از تألیفات شرفی را به خود اختصاص داده است و شاید نتوان کتابی از شرفی یافت که در این باره مطلبی نداشته باشد<sup>۴۸</sup> و سومین زاویه که مهم‌ترین آنها نیز هست از منظر مفهومی است که شرفی در تألیفاتش درباره فقه و اصول بیان می‌کند؛ زیرا مهم‌ترین دغدغه شرفی نواندیشی و مسائل آن است که با قوانین و فقه ارتباطی تنگاتنگ دارد.

شرفی مطالعه درباره فقه و اصول را از مسئله‌ای مبنایی آغاز می‌کند و از ضرورت تمایز بین آنچه الهی است با آنچه ساخته بشر است سخن می‌گوید. او فقه را دستاوردی بشری می‌داند که بعدها به آن رنگ قداست بخشیده شد تا جایی که مسلمانان احکام فقهی را همان احکام الهی دانستند.

شرفی ضمن رد الهی بودن فقه معتقد است روش‌های مطلوبی برای اثبات بشری بودن احکام فقهی وجود دارند و یکی از نشانه‌های غیرالهی بودن این احکام، کامل نشدن برخی از نظریات فقهی تا زمان نهادینه شدن دین است.

به این ترتیب شرفی که تبعیت از احکام فقهی را لازم نمی‌دانست با ظهور نواندیشانی همچون محمد توفیق صدقی با او همراه شد و نظریه‌اش درباره احکام کلی، به ویژه عبادات را پذیرفت<sup>۴۹</sup> و خواستار تجدیدنظر در احکام عبادات شد. او معتقد بود به جای سختگیری و بحث درباره عبادات بهتر است به مسائل مهم‌تری پرداخت که از دیرباز در زندگی مردم نقش داشته و جنجال برانگیز بوده است؛ از قبیل مسائل زنان، تعدد زوجات، ارث و دیگر مسائل مهم. برپایه همین مبنا شرفی از ضرورت تجدیدنظر در مسائل دیگر همچون حکم ارتداد سخن گفت و این حکم را از سویی ناسازگار با روح اسلام و از سویی ناهمگون با معیارهای نواندیشی دانست.

غرض شرفی از طرح این مسائل تنها بازگویی دیدگاه‌های نواندیشان نبود، بلکه او می‌خواست فقه و اصول را به مسئله‌ای تاریخی تنزل دهد و مجالی یابد تا لباس تقدسی را که نهاد دین در طول تاریخ بر

۴۸. رک به: الاسلام والحداثة؛ ط ۱۹۸۹، لبنات، ط ۱۹۹۴؛ الاسلام بین الرسالة والتاریخ؛

ط ۲۰۰۱؛ مرجعيات الاسلام السياسي، ط ۲۰۱۴.

۴۹. الاسلام والحداثة، ص ۱۱۳-۱۴۷.



پیکر فقه بافته بود، از آن جدا کند.<sup>۵۰</sup>

#### ۵) قرائت جدید برخی از احکام فقهی

بهبتر است پیش از بحث جدی درباره نواندیشی در احکام فقهی به مسئله‌ای مبنایی اشاره کنیم که شرفی با عنوان «المنهج فی رساله المحمدية»<sup>۵۱</sup> از آن سخن گفت. این منهج و روش بر دو عنصر تکیه دارد: اول عدم جدایی آیات الاحکام از یکدیگر و پرهیز از بیرون کشیدن آنها از سیاق تاریخی و دیگر عدم ابلاغ احکام فقهی توسط پیامبر. احکامی که در اصطلاح آنها را واجب، مستحب، مباح، مکروه و حرام می‌نامند.

بر پایه این دو مبنا، احکام فقهی چیزی جز مسئله‌ای شکل یافته در شرایط تاریخی خاص نیست و برخلاف آنچه در فرهنگ دینی رسوخ کرده و قطعی دانسته شده است، انجام این دستورات بر مسلمانان کنونی واجب نیست؛ زیرا هدف رسالت پیامبر وضع این احکام نبود، بلکه جوهر دین اهتمام به تشخیص خیر و شر در زمان وقوع آن است.

برای مثال احکام نماز با محل سکونت و جغرافیای مسلمانان صدر اسلام متناسب است، اما این احکام با شرایط مسلمانان ساکن در مناطقی که روز و شب‌های بسیار طولانی دارند همخوان نیست. آیا امکان دارد مسلمانان این مناطق به همان احکامی عمل کنند که فقیهان برای مسلمانان صدر اسلام وضع کرده بودند؟ همین مسئله درباره روزه نیز به دلیل تأثیر زمان و منطقه جغرافیایی بر آن می‌تواند صادق باشد، اما شرفی درباره روزه بحث دیگری مطرح می‌کند. او معتقد است که در نص قرآن به صراحت اعلام شده روزه داری امری اختیاری است، اما نگرش فقهی قدیم از این مسئله چشم‌پوشی کرد و با جریان نهادینه کردن دین که طبیعتاً به سختگیری و تعبدگرایی تمایل داشت همراه شد.

با همین مبنا شرفی از ضرورت بازنگری در حکم حرمت خمر سخن گفت. بر اساس متون فقهی در آیات ۲۱۹ بقره<sup>۵۲</sup> و ۴۳ نساء<sup>۵۳</sup> و ۹۰ مائده<sup>۵۴</sup> حرمت خمر به تدریج بیان شده است، ولی شرفی معتقد است این آیات حکم صریحی را درباره حرام بودن

۵۰. الاسلام بین الرساله و التاريخ، ص ۱۴۰-۱۵۴.

۵۱. همان، ص ۶۰.

۵۲. البقره: ۲۱۹: «تَشْرَبُونَكَ مِنَ الْخَمْرِ وَ الْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِنَّهُمَا آثِمَةٌ مِّنْ فَعْلِهِمَا وَ يُسْئَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ».

۵۳. النساء: ۴۳: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ...».

۵۴. المائده: ۹۰: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَ الْمَيْسِرُ وَ الْأَنْصَابُ وَ الْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَأَجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ».

شراب بیان نمی‌کنند و علت حکم فقها برداشتی غلط از معنای نهی است. آنها نهی را به معنای اجتناب و حرمت دانستند، در صورتی که نص آیه در این باره صراحت ندارد؛ به ویژه که در قرآن با آیاتی همچون ۱۴۵ انعام<sup>۵۵</sup> مواجه هستیم که به روشنی از محرمات چهارگانه غذاها و نوشیدنی‌ها سخن گفته و از خمر نام نبرده است. به طور کلی می‌توان گفت که شرفی دست برداشتن از فقه قدیم را در عبادات یا غیر آن ضروری می‌داند و این سخن را که فقه، شریعت را به تصویر می‌کشد نمی‌پذیرد.

از نظر شرفی وقتی مسلمان امروزی بخواهد قرائتی نوین از نص دین داشته باشد، باید احکام فقهی را کنار بگذارد؛ زیرا نص دینی باید بدون واسطه و با قرائتی نوین بازخوانی شود، نه از ورای حجاب متن‌های درجه دومی همچون کتب فقهی که مبتنی بر شرایط تاریخ به وجود آمده‌اند و ثمره مواجهه افراد با نصوص در زمان‌های پیشین هستند. آیا همان‌گونه که پیشینیان با قرائت مستقیم نص، آنچه متناسب زمان خود بود دریافتند، مسلمان امروز توجه ندارد که با به کارگیری فقه قدیم در دوره معاصر، در واقع با قوانینی زندگی می‌کند که هر چند در زمان وضع، دستوراتی به روز و مترقی بودند، نسبت به دوره کنونی، قدیمی و نامتناسب هستند؟

#### ۵. انتقادات بر دیدگاه شرفی

نتایج خاص و گسترده و تأثیر زیادی که شرفی در نواندیشی دینی ایجاد کرد، صرف نظر از درستی یا نادرستی آنها مسلمانان را به واکنش واداشته است.

قرائت نقدی یکی از مظاهر نواندیشی است و به این ترتیب شرفی همان‌گونه که یکی از خواسته‌هایش در مرحله سوم بود، با مطرح کردن این مباحث ما را به نگرش انتقادی عمیقی بازگرداند که اکنون یکی از لوازم بحث اکادمی در مدارس تونس شده است.

در ابتدا بهتر است از برخی انتقادات غیرعلمی و تهمت‌هایی که به عبدالمجید شرفی نسبت داده شد یاد کنیم. خرده‌گیری‌هایی که برخی با مطرح کردن آنها از بحث درباره نتایج و دیدگاه‌های شرفی شانه خالی کردند.<sup>۵۶</sup> این دسته از کتاب‌ها به دلیل پیش داوری نتیجه علمی در برندا شدند و در موارد بسیاری با بیان بریده و خارج از سیاق سخنان شرفی حقیقت را تحریف یا جعل کردند.<sup>۵۷</sup> برخی

۵۵. الانعام: ۱۴۵: «قُلْ لَا أَجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَتَّعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خنزير...».

۵۶. رک به: ندی خیاط، موقف عبدالمجید شرفی من الدین و التراث، ص ۳۵.

۵۷. رک به: باجو، مصطفی، العلمانیون العرب و موفهم من الاسلام.

نیز با مغالطه و ناسزاگویی، خوانندگانشان را سردرگم و بلا تکلیف رها کردند<sup>۵۸</sup> و بعضی دیگر نیز به جای نقد، به تکفیر شرفی و گناهکار دانستن او پناه بردند.<sup>۵۹</sup> مطالب این کتاب ها با نقد هدفمند و متین در تعارض است؛ زیرا اندیشه ساز نیست، بلکه ویرانگر تفکر است.

با بررسی محتوایی افکار شرفی بدون شک می توان آنها را ثمره تلاش علمی دانست که با به کارگیری روش های علمی نوین و متفاوت با روش های نقلی پیشین به دست آمده است. دیدگاه های شرفی بی سابقه نیست و برپاره ای از نتایج فکری نواندیشان پیشین خود در اوایل قرن بیستم پایه گذاری شده است. بنابراین می توان گفت شرفی اولین کسی نیست که به بحث و جستجو در تراث پرداخت و پیش از او بزرگانی چون احمد امین، محمد عبده، محمد توفیق صدقی و دیگران چنین کرده اند.

براین اساس افکار شرفی حلقه ای از حلقات نواندیشی دینی است که از قرن نوزدهم آغاز شده و تا به امروز ادامه یافته است. شاید بتوان گفت ویژگی شرفی ایجاد قواعد دقیق و منطقی برای نواندیشی در مباحث اکادمیک و نشر آنها توسط شاگردانش است. از اهمیت طرح های علمی که با سرپرستی او و یا شاگردانش انجام شده است، به خوبی می توان به میزان رسوخ این نگرش نوین در مباحث آکادمیک پی برد.

بررسی های تاریخی شرفی درباره شکل عبادات نشان می دهد برخی از آنچه هم اینک رایج است، به تحولات پس از عصر نبوی بازمی گردد؛ تغییراتی که در قرون اولیه از تمدن اسلامی انجام شد. از این رو دعوت شرفی برای کنار گذاشتن آنها، فراخوانی منطقی و از ضروریات بازگشت به جوهر رسالت محمدی است. رسالتی که برای ایجاد مفهوم جدیدی از انسان به وجود آمد، انسانی مختار که در رابطه با خدا، خود و دیگران مسئولیت پذیر است.

اما شرفی همچنان باید به چند سؤال جواب دهد؟ آیا از نظر او آنچه رسول الله مثلاً در نماز انجام می دادند، برای مسلمانان امروزی واجب نیست؟ آیا ممکن نیست از مجموعه احادیث درباره افعال رسول الله هنگام نماز که اساس دین است، به صورت تقریبی به کیفیت نماز ایشان، قبل از آنکه چیزی به آن اضافه شود، دست یافت؟

آیا به دور از فقه قدیمی و غیرپویا می توان از جوهر عبادات سخن گفت؟ آیا اجازه داریم صورتی مثالی از جوهر اسلام ایجاد کنیم که نواندیشی پرشتاب همواره آن را با چالش هایی جدیدی مواجه کند؟ یا آنکه بهتر است مسئله را همان گونه که هست رها کنیم تا دوباره دیگران برای ما مسلمانان تعیین تکلیف کنند؟ آیا با تاسی به این قول فقهی که «آنها را رها کن تا واقع شود» توقع داریم جوهر دین، به خودی خود، در آینده حلول کند؟

با وجود اهمیت نتایج فکری که شرفی و شاگردانش در مدارس تونس به آن دست یافتند، این سؤال خصوصاً با وجود تغییرات بعد از انقلاب تونس باقی است که تا چه زمانی نخبگان فرهنگی و متخصصان این تفکر، کار خود را تنها در مسائل معرفتی خاص منحصر خواهند کرد؟ آیا این مدرسه به نقش خود، یعنی نقد ذاتی به عنوان ضروریات نواندیشی ادامه خواهد داد؟

اینها برخی از سؤالاتی است که علاقه مندی پاسخ به آنها ما را به ذاتی که دارای خاستگاهی متعالی است برساند و اغیار را کنار بزند؛ زیرا امر مقدس تاریخ ندارد، اما نواندیشی عین تاریخت است.

۵۸. رک به: عامری، سامی، جهالات و اضالیل: نقض افتراءات عبدالمجید الشرفی علی السنة النبویة.

۵۹. رک به: الطالبی، محمد، لیطمئن قلبی.

۶. مهم ترین کتاب ها و مقالاتی که درباره عبدالمجید شرفی نوشته شده است  
باجو، مصطفی؛ العلمانیون العرب و موقفهم من الاسلام؛ ط ۱، المكتبة الاسلامية للنشر والتوزيع، مصر،  
(۲۰۱۲ م).

حمزه، محمد؛ اسلام المجددين، ضمن سلسلة: (الاسلام واحدا ومتعددا)؛ ط ۱، دار الطليعة والطباعة  
والنشر، بيروت، (۲۰۰۷ م).

خياط، ندى بنت حمزه؛ موقف عبدالمجيد الشرفي من التراث والدين؛ دراسة تحليلية نقدية، رسالة  
ارائه شده برای دکترای در بخش عقیده دانشکده دعوت و اصول دین، شماره ۴۳۰۷۰۰۱۰، (۱۴۳۳ هـ/۲۰۱۲ م).

ابن زین، رشید؛ المفكرون الجدد في الاسلام؛ ترجمه حسان عباس؛ دار الجنوب للنشر، تونس، (۲۰۰۹ م).

السيد، رضوان؛ الحملة على الاسلام والحملة على العرب؛ مقاله در روزنامه الشرق الاوسط؛ ۱۸ نيسان/  
اوريل، (۲۰۱۴ م).

السيد، رضوان؛ ردًا على طرابلسي والهنوي: لماذا حملت على العقلانيين العرب؟ مقاله در روزنامه الشرق  
الوسط، ۲ أيار/ مي، (۲۰۱۴ م).

السيد، رضوان؛ مواجهه التقليد ام الاصولية؛ مقاله در روزنامه الاتحاد؛ ۱۶ شباط/ فوریه، (۲۰۱۴ م).

الطالبي، محمد؛ ليطنئن قلبي؛ ط ۱، دار سيراس للنشر، تونس، (۲۰۰۷ م).

عامري، سامي؛ جهالات و اضاليل: نقض افتراءات عبدالمجيد الشرفي على السنة النبوية؛ دار البصائر،  
(۲۰۱۴ م).

ابن عبد الجليل؛ المصنف، مساهمة المعاصرين في تجديد الفكر الاسلامي؛ سالانه الجامعه التونسيه،  
ع ۴۵، (۲۰۰۱ م).

يوسفي، محمد لطفي؛ القراءة المقاومة و بكاء الحجر (السلفية المندسة في آليات الخطاب الحداثوي)؛  
سكريبوس، (۲۰۰۲ م).

برخی از کتاب هایی که به زبان غیر عربی نوشته شده عبارتند از:

R. Benzine, les nouveaux peneseurs de l'islam, Paris, Albin Michel, 2004.

\_ A.Filali-Ansary, Reformer l'islam? Une introduction aux debats contemporains, Le  
Decouverte, textes a L'appui, 2003.

\_ Sami Antoine Khalife Ing. Physique, ABDELMAJID CHARFI nouveau peneseurs de  
l'islam Un home du dialogue Islamo-chretien, Beyrouth, le 22 octobre 2013.

- Charfi, Abdelmajid, l'islam entre le message et l'histoire, Paris, Albin Michel-tunis, Sud Ed, 2004.

\_ A.Filali-Ansary, Reformer l'islam? Une introduction aux debats contemporains, Le Decouverte, textes a L'appui, 2003.

\_ Sami Antoine Khalife Ing. Physique, ABDELMAJID CHARFI nouveau penseurs de l'islam Un home du dialogue Islamo-chretien, Beyrouth, le 22 octobre 2013.

## کتابنامه

### منابع عربی

- القرآن الکریم به قراةت حفص .  
 باجو، مصطفی؛ العلمانیون العرب و موقفهم من الاسلام؛ ط ۱، المكتبة الاسلامية للنشر و التوزيع، مصر، ۲۰۱۲ م.  
 حمزه، محمد؛ اسلام المجددين؛ ضمن سلسلة: (الاسلام واحدا و متعددا)، ط ۱، دار الطليعة و الطباعة و النشر، بيروت، ۲۰۰۷ م.  
 خياط، ندى بنت حمزه؛ موقف عبدالمجيد الشرفي من التراث و الدين؛ دراسة تحليلية نقدية، رسالة دكتورى، دانسكده الدعوة و اصول الدين، شماره ۴۳۰۷۰۰۱، ۴۳۳ / ۱۴۳۳ هـ / ۲۰۱۲ م.  
 ابن زين، رشيد؛ المفكرون الجدد في الاسلام؛ ترجمه حسان عباس؛ دار الجنوب، تونس، ۲۰۰۹ م.  
 السيد، رضوان؛ الحملة على الاسلام و الحملة على العرب؛ مقاله در روزنامه الشرق الاوسط، ۱۸ نيسان / آوريل، ۲۰۱۴ م.  
 السيد، رضوان؛ ردا على طراييشي و الهوني؛ لماذا حملت العقلانيين العرب؟؛ مقاله روزنامه الشرق الاوسط، ۲ ايار / مي، ۲۰۱۴ م.  
 \_\_\_\_\_؛ مواجهة التقليد ام الاصولية؛ مقاله روزنامه الاتحاد، ۱۶ شباط / فوريه، (۲۰۱۴ م).  
 الشرفي، عبدالمجيد؛ الفكر الاسلامي في الرد على النصارى الى القرن الرابع / العاشر؛ ط ۱، الدار التونسية للنشر. المؤسسة الوطنية للكتاب، تونس. الجزائر، ۱۹۸۶ م.  
 \_\_\_\_\_؛ الاسلام و الحداثة؛ ط ۱، الدار التونسية للنشر، تونس، ۱۹۹۰ م.  
 \_\_\_\_\_؛ لبنات؛ ط ۱، دار الجنوب للنشر، تونس، ۱۹۹۴ م.  
 \_\_\_\_\_؛ الاسلام بين الرسالة و التاريخ؛ ط ۱، دار الطليعة للطباعة و النشر، بيروت، ۲۰۰۱ م.  
 \_\_\_\_\_؛ و مراد هوفمان، مستقبل الاسلام في الغرب و الشرق؛ ط ۱، دار الفكر، دمشق، ۲۰۰۸ م.  
 \_\_\_\_\_؛ الثورة و الحداثة و الاسلام؛ ط ۱، دار الجنوب للنشر، تونس، ۲۰۱۱ م.  
 \_\_\_\_\_؛ مرجعيات الاسلام السياسي؛ ط ۱، دار التنوير، للطباعة و النشر و التوزيع، تونس. بيروت. القاهرة، ۲۰۱۴ م.  
 عامري، سامي؛ جهالات و اضاليل: نقض افتراءات عبدالمجيد الشرفي على السنة النبوية؛ دار البصائر، ۲۰۱۲ م.  
 ابن عبد الجليل؛ المنصف، مساهمة المعاصرين في تجديد الفكر الاسلامي؛ حوليات الجامعة التونسية، ع ۴۵، ۲۰۰۱ م.  
 الطالبي، محمد؛ ليطمئن قلبي؛ ط ۱، دار سيراس للنشر، تونس، ۲۰۰۷ م.  
 يوسفى، محمد لطفى؛ القراءة المقاومة و بقاء الحجر (السلفية المندسة في آليات الخطاب الحدائوى)؛ سكريبوس، ۲۰۰۲ م.

### منابع غير عربی

-R. Benzine, les nouveaux penseurs de l'islam, Paris, Albin Michel, 2004.

- Charfi, Abdelmajid, La pensee islamique, rupture et fidelite, Albin Michel, coll "L islam des Lumieres", 2008.

- Charfi, Abdelmajid, Ces Ecritures qui nous questionnent, La Bible et le Coran, Paris, Centurion, 1987.

- Charfi, Abdelmajid, Foi et justice, Paris, Centurion, 1993.